

## عهد عتیق

# با محتویاتی بد آموز!

آیا میتوان عهد عتیق را با وجود این همه بدآموزیها، کتاب آسمانی دانست؟!  
مطالب مهیج و شهوت انگیز این کتابها را چگونه می توان توجیه کرد؟!

آن شرح و تفسیر را ایجاب می کرد.  
مجموع شرح و تفسیر نخستین را «میش نا» که به معنای «توضیح ثانوی» یا «تکرار شریعت» است می نامند و تفسیر دوم که قرنها پس از تفسیر اول بزبان «آرامی» به رشته نگارش درآمده به «گمارا» یا «تحصیل شریعت» نام گذاری شد ولی باید تذکر دهیم که یهود پس از پراگندگی، یعنی بعد از ظهور مسیح، دو مجموعه دیگر هم بر کتب مقدسه خود افزود که بنامهای «تلمود اورشلیمی» و «تلمود بابلی» خوانده میشوند.

اما با وجود این همه تفسیر و تأویل و با وجود تجدید نظرهای بسیار، هنوز هم محتویات تورات و دیگر کتابهای مذهبی یهود و مسیحیت آکنده از

یکی از دلائل روشن تحریف و نمودهای آشکار دگرگونی در عهد عتیق، مطالب زنده و رکیکی است که در آنها دیده می شود! بسیاری از مطالب و موضوعات مورد بحث، در این کتابها آنچنان زشت و ناخوشایند است که شاید باور نکنید این مجموعه ی منسوب به موسی (ع) و دیگر پیامبران دارای چنین محتویاتی باشد!  
نظر به همین مطالب نادرست و بدآموزیهای عهد عتیق بود که برخی از یهودیان دانشمند، بر آن شدند تا شرح و تفسیری بر کتابهای باصطلاح آسمانی! خود بنویسند. یهود، دو تفسیر معروف بر کتب مقدس خود دارد که گذشت زمان و پرواز اشکالات و تحولات،

خرافات و بدآموزیهاست! همین مطالب غیر صحیح و نامعقول است که انسان خردمند را بر آن می‌دارد مجموعه‌ای را که ملت یهود و مسیحیت، آن را بنام عهد عتیق می‌خوانند و به پیامبران الهی نسبت می‌دهند به عنوان وحی و کلام خداوند نپذیرد. چنانکه «ریچارد سیمون» (۱) در نقد و تحلیلی که از عهد عتیق بعمل آورد، صریحا اعلام داشت که اغلب مطالب و بلکه متون کتابهای مذهبی یهود، ساخته و پرداخته‌ها خامها و کثیسه‌ها است (۲) آیا این وحی آسمانی است؟

عبارات در برخی از کتابهای عهد عتیق آنقدر سبک و گاهی الفاظ آنچنان بقول امروزیهاسکسی است که راستی نسبت دادن آنها به یک انسان شریف و با شخصیت دشوار می‌نماید تا چه رسد به پروردگار عالمیان! برای اینکه در این گفتار، کسی ما را به گراف گوئی و مبالغه پردازای متهم نکند بهتر است به تحلیلی که در این بساطه فیلسوف و مورخ معروف «ویل دورانت» پیرامون کتاب غزل‌های سلیمان دارد، اشاره کنیم:

«در کتاب سلیمان که رنگ غزل‌های عشقی دارد مجال حدس و تخمین درباره‌ی کیفیت تألیف آن وسیع است. ممکن است که اصل آن، مجموعه‌ای از سروده‌های بابلی بوده که بنام «عشتار» و «نموز» ساخته شده است و نیز امکان دارد که آن در گروهی از شاعران غزلسرای عبرانی با الهام گرفتن از روح

یونانی که «اسکندر کبیر» به سرزمین «یهودا» وارد کرده سروده باشند، چه در آنها الفاظ دیده میشود که از زبان یونانی گرفته شده است.

از آنجا که گاهی عبارتها در این کتاب، چون عاشق و معشوق، یکدیگر را مانند مصریان قدیم بنام خواهر و برادر خطاب میکنند، امکان دارد که این «گل» یهودی در اسکندریه شگفته و روح آزادی آن را از کرانه‌های نیل چیده باشند. اصل آن هر چه بوده باید گفت که وجود آن در تورات، خود معمای دلربایی است و ما نمی‌دانیم چگونه علمای دین یهود غافل مانده یا خود را به غفلت زده اجازه دادند که این غزلها به آنهمه عواطف شهوانی در آن کتاب درج شود و میان گفته‌های «اشعیای نبی» و «سفر-جامعه» عباراتی مانند الفاظ زیر قرار گیرد: (۳) «محبوب من مرا مثل طبله است که در میان پستانهای من می‌خواهد!»

«محبوب من برابم مثل خوشه بانی در باغهای «عین جدی» می‌باشد...»

«اینک تو زیبا هستی ای محبوبه من، اینک تو زیبا هستی و چشمان تو مثل چشمان کبوتر است...»  
«ای محبوبه من رخسارهایت به جواهرها و گردنت به گردن بندها چه بسیار زیبا است!»

«من نرگس شارون و سوسن وادی‌ها هستم...»  
«مرا با قرصهای کشمش تقویت دهید و مرا با

۱- Rihard Simon

۲- جاهلیت و اسلام مبحث آئین بود

۳- مشرق زمین گهواره تمدن ج ۱ ص ۵۰۲

لهم مما كتبت ايسديهم وويل لهم مما يكسبون (۲) یعنی: وای بر آنان که با دستهای خود چیزی می‌نویسند و سپس می‌گویند این از جانب خداست تا به بهای کمی آن را بفروشند، وای بر آنها از آنچه دستهایشان نوشته وای بر آنها از آنچه به دست می‌آورند.

و نیز در جای دیگر این گروه را به خاطر کتمان حق، ترویج باطل، تحریف حقایق و عهد شکنی، به باد انتقاد می‌گیرد و می‌فرماید: چون این گروه پیمان خدا را شکستند (یعنی در انجام رسالت مذهبی خیانت کردند به مزای این کار)، لعنتشان کردیم و دل‌های آنان را سخت و با صلابت ساختیم، زیرا آنان کلمات خدا را از معانی آن منحرف می‌کنند و از آنچه یاد-

آوری شده‌اند قسمتی را فراموش کردند. (۳) بهر حال، همین انحراف و تحریفها و نیز گذشت زمان و ارتباط یهود با اقوام بابلی و ایرانی و برخورد آنان با تمدن رومی و یونانی موجب شد که عقاید ثنویت و ستاره پرستی و همچنین فلسفه‌های یونانی و مکتبهای رومی به سختی این ملت را تحت تاثیر قرار دهد، و از تعالیم اصیل و آسمانی موسی (ع) بیگانه و دور سازد. این عوامل، علاوه بر آثار زیانباری که در اعتقادات راستین یهود از خود برجای نهاد، اتفاق و همبستگی مذهبی آنان را نیز به اختلاف و از-

سببها، تازه سازید زیرا آن‌ها من از عشق بیمار هستم!...»  
«ای دختران اورشلیم! شما را به غزالها و آهوهای صحرا قسم می‌دهم که محبوب مرا تا خودش نخواهد بیدار نکنید...»

«محبوبم از آن من است و من از آن‌وی هستم...»  
«محبوبم مرا خطاب کرده گفت ای محبوبه من وای زیبایی من بر خیز و بیا...»

«گلها بر زمین ظاهر شده و زمان اکنون فرا رسیده...»  
«ای محبوبه من وای زیبایی من بر خیز و بیا...» (۱)

### انحراف و انشعاب در ملت یهود

با توجه به مطالب یاد شده و مضامین عاشقانه آن و یابدتر از آن که در عهد عتیق وجود دارد، بسیار طبیعی و بجا است که کتاب آسمانی مسلمانان، برای روشن ساختن افکار عموم ملت یهود و مسیحیت، انحرافها و تحریفهایی که علماء و رهبران روحانی آنان در کتابهای مذهبی ایشان به وجود آورده‌اند هشدار دهد، و شدیداً به «احبار» و «رهبران» اعتراض نماید و از جنابیات و مستمگرهای آنان برده بردارد قرآن مجید در یک جا پیرامون انحراف علماء یهود و مسیحیت و فلسفه تحریفهایی که بدست این پدران روحانی! صورت گرفت چنین می‌فرماید: فویل للذین یکتبون الکتاب بایده بهم، ثم یقولون هذا من عند الله لیشتروا به ثمننا قليلا فویل

۱- عین این عبارت از کتاب غزل غزل‌های سلیمان باب اول و دوم نقل شده است

۲- بقره - ۷۹

۳- فیما نقضهم لعناهم و جعلنا قلوبهم قاسية، یحرفون الکلم عن مواضعه و نسوا حظا مما ذکرنا به»

مائده - ۱۳

۴- مشرق زمین گهواره تمدن ج ۱ ص ۲۸۵

و غرور آمیز صهیونیستی در مغزهای جمیع  
یهودیان جهان جاگیر گشته و معتقدند  
که این نژاد بر تمام اقوام و ملل عالم برتری  
دارد!!

از این رومیینیم مکتب صهیونیستها، طرفدار تسلط  
و حکومت «بنی اسرائیل» بر تمامی مردم و سراسر  
گیتی می باشد. این انحراف اخلاقی که شاید قرنها  
قبل از میلاد مسیح، در یهود پدید آمده بود غرور  
افراطی و سرسختی عجیبی در این ملت ایجاد کرد.  
بنابراین، خودخواهی خطرناک یهود ریشه تاریخی  
دارد و همین امر باعث شد که تیره یهود در گذشته  
نتوانست در سرزمین معینی سکونت و حکومت پیدا  
کند و بقول «ویل دوران» «اگر در قرن اخیر  
حمایت دولتهای نیرومند استعماری و -  
دوستان یهودی در پی ایشان نبود، هرگز  
امکان نداشت که یهودیان بتوانند در  
سرزمین اسرائیل استقرار پیدا کنند»

هم پاشیدگی تبدیل ساخت، و فرقه های  
گوناگونی در این مردم پدید آورد که  
قرنها مایه در بدری و آوری آنان بود!!

مثلا مذهب «گنستیک» در بسیاری از مردم  
یهود نفوذ شدیدی پیدا کرد. این مذهب در حدود  
یکصد سال قبل از میلاد مسیح در ماوراء انهر اردن ظهور  
کرد، کم کم به شعبه ها و مذاهب مختلفی تقسیم شد،  
دیری نپائید که مذاهب متعددی از قبیل: انسی ها،  
سمپی ها، ماسبوتی ها، اوسی ها، و نزارها  
و واز مذهب یاد شده تولد یافتند!

ناگفته نگذاریم که در نتیجه همان تحریف و -  
تفرقه، یک انحراف بزرگ اخلاقی نیز در ملت یهود  
به وجود آمد که از یک سو تهدید و خطری است جدی  
برای همه انسانها و از دیگر سو عامل مهمی است  
جهت نابودی و طرد این نژاد از جوامع انسانی.  
صهیونیسم که یک پدیده یهودی است، مولود همین  
انحراف اخلاقی می باشد! اکنون اندیشه جاهلانه

از: ابراهیم - ناعم

## روشنائی

جان و دل مردمان دانا روشن  
تا گردد آشیان فردا روشن

### روگردان

از رسم و ده صواب روگرداند  
وز چهره آفتاب روگرداند

### راه شیطان

دل را بحقیقت آشنا داشته باش  
پادر ره مردان خدا داشته باش

ای از تو جهان عشق و معناروشن  
امروز بسوی در گهت روی کنم

آن نسل که از کتاب روگرداند  
چون شب پره میشود بظلمت پنهان

دست از سرتز ویر و ریاد داشته باش  
یک عمر شدی ذراه شیطان یک روز